



The Holy Qur'an's thought Disentangling with Focus on the Word "Knowledge" at Textual Levels

Mohsen NilforoushZadeh¹

Mahdi Motia²

Mohammad Reza HahjiEsmaeili³

DOI: 10.22051/TQH.2021.34230.3055

Received: 4/12/2020

Accepted: 01/03/2021

Abstract

One of the most important missions of the Holy Scriptures is to disentangle and correct human thought. The Holy Qur'an, as the most comprehensive and complete revelatory text, criticizes many wrong human thoughts and illusions. These words, structures, and sentences, while diversifying, have a specific task to correct ideas. This article, using descriptive method, recognized the meaning of deciphering the verses containing the family of the word "Knowledge" in the textual levels, that the most important of which are: identifying three levels of disentangle word, structure and sentence, in which 45% of the verses contain the direct education and in 55%, indirect information. In 74% of this group of verses, the disentanglement is done through others and in the rest through the Prophet of Islam (PBUH). The type of tone of speech in 61% of cases is authoritative and intense and the rest with a frequency of 39% is authoritative and soft. In almost 50% of these verses they address Muslims and their main approach is educational disentanglement. Also in the other 50%, due to the stubbornness and insistence of the polytheists and infidels in their original ideas in order to make more influence and punishment, they often use a strong tone and expression accompanied by threats in order to break the incorrect ideas and correct them.

Keywords: *Holy Qur'an, Disentanglement, Knowledge, Textual Levels, Speech Tone.*

¹. PhD Candidate of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Humanities and Law, Isfahan Azad University, Khorasgan Branch, Iran. nilforoush.md@yahoo.com

². Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Isfahan University, Iran. (The Corresponding Author) m.motia@ltr.ui.ac.ir

³. Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Isfahan University, Iran. m.hajisl@yahoo.com



فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.س.)

سال هجدهم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰، پیاپی ۵۱

مقاله علمی - پژوهشی، صص ۲۲۱-۲۵۴

پندار شکنی قرآن کریم با محوریت واژه «علم»

در سطوح متن

محسن نیل فروش زاده^۱

مهدی مطیع^۲

محمد رضا حاجی اسماعیلی^۳

DOI:10.22051/TQH.2021.34230.3055

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

چکیده

پندار شکنی و تصحیح اندیشه انسان‌ها یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های کتب آسمانی است. قرآن کریم به‌عنوان جامع و کامل‌ترین متن وحیانی نسبت به بسیاری از اندیشه‌ها و توهمات غلط بشری انتقاد داشته، در سطوح متن وحیانی خود سعی در گسست خیالات موهومی دارد که برخلاف حقایق جهان هستی در ذهن‌ها شکل گرفته و عامل شقاوت انسان‌ها گردیده است. این واژه‌ها و ساختارها و جملات در عین تنوع هر کدام مأموریت و وظیفه‌ای خاص برای

^۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
nilforoush.md@yahoo.com

^۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)
m.motia@ltr.ui.ac.ir

^۳. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
m.hajis1@yahoo.com

اصلاح اندیشه‌ها به عهده دارند. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی و شناخت معنا پندارشکنی آیات حاوی خانواده واژه «علم» در سطوح متن بررسی گردیده، به نتایجی دسته یافته است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: شناسایی سه سطح واژه و ساختار و جمله پندارشکن می‌باشد که در ۴۵٪ آیات حاوی آنها، آموزش مستقیم و در ۵۵٪ با روش اطلاع‌رسانی غیرمستقیم صورت گرفته که در ۷۴٪ این گروه از آیات، پندارشکنی با واسطه دیگران و در مابقی با واسطه پیامبر اسلام (ص) صورت گرفته است. نوع لحن و آهنگ کلام در ۶۱٪ موارد مقتدرانه و شدید و گویش مابقی این گروه از آیات با فراوانی ۳۹٪ مقتدرانه و ملایم بوده و خطاب تقریباً در ۵۰٪ این آیات متوجه مسلمانان بوده، رویکرد اصلی آنها پندارشکنی آموزشی می‌باشد و در نیمی دیگر قرآن کریم به دلیل عناد و پافشاری مشرکان و کافران در پندارهای سقیم خود برای تأثیرگذاری بیشتر و ایجاد تنبه، اکثراً با لحن شدید و بیان همراه با تهدید به دنبال گسست پندارهای ناصحیح و اصلاح آنها می‌باشد.

واژه‌های کلیدی:

قرآن کریم، پندارشکنی، علم، سطوح متن، لحن آهنگ کلام.

مقدمه و طرح مسئله

پندار و پنداشت، حاصل فعالیت ذهن انسان در برخورد با مسائل و رویدادهای پیرامون آن بوده و تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله، محیط، آداب و رسوم، اخبار گذشتگان و غیره می‌باشد، این برداشت فکری می‌تواند صحیح و اثربخش در مسیر سعادت انسان بوده و یا

اشتباه و مخرب و عامل ویرانگری فضایل بشری گردد. در پهنه تربیت اسلامی یکی از مباحث با اهمیت، پندار شکنی و مبارزه با توهمات غلط بشری می‌باشد. این مفهوم به دنبال تصحیح باورهایی است که انسان‌ها به آن اعتقاد قوی داشته، بر پایه آنها پهنه زندگی خود را برنامه‌ریزی می‌نماید. در حوزه شناختی، به‌طور کلی این گونه پندارها و باورهای بنیادین ناصحیح؛ از دیدگاه فرد درباره خود، جهان اطراف، و تعامل با دیگران تشکیل شده‌اند.

در قرآن کریم برای انتقال مفاهیم مختلف از جمله پندار شکنی و تصحیح باورها، از واژه‌ها و ساختارها و جملات متنوع استفاده شده که با بررسی این سطوح متن و استمداد از مفاهیم معناشناسی و تحلیل ساختاری و بررسی سیاق آیات و دیگر ابزارهای تحلیل متن، می‌توان محتوی این دسته از مفاهیم قرآنی را طبقه‌بندی نموده، گونه‌های مختلفی که مدلول آنها به دنبال تغییر و تصحیح این دسته از افکار نادرست بشری و برطرف کردن اندیشه‌ها و عقاید ناسازگار و در پی آن اصلاح رفتار و حسن سلوک می‌باشد؛ را به دست آورد.

این مقاله به بررسی واژه «علم» در سطوح متن آیات قرآن کریم از منظر تغییر اندیشه و پندار شکنی پرداخته، در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال می‌باشد: مفاهیم پندار شکن حاوی این واژه در قرآن کریم در سه سطح واژه، ساختار و جمله دارای چه خصوصیات از لحاظ نوع روش آموزش (مستقیم و غیرمستقیم) و لحن و نوع گویش و همچنین محتوای آیات آن می‌باشد؟ از این رو آیات حاوی خانواده (علم) کاوش گردیده، موارد و اشکال مختلف از دیدگاه تصحیح افکار در آیات قرآن کریم، تحلیل و آنالیز آماری شده، با استفاده از مفاهیم و ابزارهای مختلف شناخت مفاهیم و مضامین متن، دسته‌بندی شده، ارتباط، همانندی و تمایز بین آنها بررسی می‌گردد.

پیشینه تحقیق

بررسی و تتبعات انجام گرفته، نشان می‌دهد؛ درباره این واژه بررسی‌هایی صورت گرفته، مانند: مقاله «معناشناسی علم در قرآن کریم و مکاتب بشری» و مقاله «معناشناسی و استعمال

واژگان عقل، فهم، علم، و فکر در قرآن کریم که در آن برای فعل «عَلِمَ» متناسب با ترکیب‌های هم‌نشینی، قالب‌های معنایی مختلفی را حول معنای مرکزی معرفی می‌نماید (ر.ک: فلاح‌پور، ۱۳۹۲ش، ص ۶۳ - ۸۸؛ سجادی و فرجی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۱ - ۲۸) و در مفهوم تغییر افکار مقاله «گونه‌شناسی حَسَبَ (پنداشتن) در قرآن کریم» ارائه شده است که حول موضوع معناشناسی واژه «حَسَبَ» در قرآن کریم از رد و تغییر تعدادی از پندارهای نا صحیح صحبت شده است (ر.ک: موسوی، ۱۳۹۷ش، ص ۳۰ - ۵۳)؛ ولی در این تحقیق هدف از بررسی آیات حاوی واژه‌ها و ساختارها و جملات پندارشنکن هم میدان واژه «علم» کشف گونه‌های مختلف پندارشنکن قرآنی در این دسته از آیات و بررسی و تحقیق پیرامون آنها می‌باشد که در این زمینه با جستجوی به عمل آمده و تتبع در آثار گذشتگان، مقاله‌ای مشاهده نشد.

۱. سطح واژه

نخستین سطح در معناشناسی هر متن، شناخت معنای واژگان آن است. بین مفاهیم و واژه‌های آیات قرآن کریم ارتباط معنایی خاصی برقرار است و غرض خداوند دانا از انزال این متن با ارزش القای پیام ویژه‌ای جهت تربیت و هدایت انسان‌هاست که یکی از مهم‌ترین مفاهیم آن تصحیح باورهای سقیم می‌باشد. در ادامه واژه «علم» و اشکال مختلف آن با رویکرد پندارشنکن بررسی می‌شود.

۱-۱. واژه‌شناسی

فعل «عَلِمَ» (از ریشه دانستن)، یکی از کلمات پر کاربرد در قرآن کریم بوده، با ترکیب‌های گوناگون، ۸۵۳ مرتبه (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۴۶۹ - ۴۸۱) در قرآن استعمال شده است. این واژه که در کتاب العین نقیض جهل آمده (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۵۲)، آگاهی قابل اطمینان در مورد موضوعی می‌باشد (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۷۳). این واژه گاهی بدون

مفعول مانند «عَلِمَ وَ فَهَمَ» و بعضاً با یک مفعول مانند «عَلِمْتُ الشَّيْءَ» و در مواردی با دو مفعول مانند «عَلِمْتُ عَبْدَ اللَّهِ عَاقِلًا» همراه می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲، ص ۴۱۷). اگر «علم» در معنی آگاهی و شناخت استفاده گردد، فعل آن همراه با یک مفعول استعمال می‌گردد؛ ولی چنانچه در جایگاه افعال قلوب یقینی به کار رود، با دو مفعول ملازم می‌گردد (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۶، ص ۱۲۱). این دسته از افعال که بر علم قطعی و جزمی دلالت نموده، از فکر، اندیشه و قلب و باطن انسان صادر شده؛ هرگاه بر جمله اسمیه وارد شوند، مبتدا و خبر را به مفعول اول و دوم تبدیل می‌کنند (شرتونی، ۱۳۸۷ ش، ج ۴، ص ۲۴۱).

۲-۱. «اعلموا» و «فاعلموا»

قالب ادبی «اعلموا» در مجموع بیست و یک مرتبه و «فاعلموا» نیز در شش آیه، در قرآن مورد استفاده قرار گرفته‌اند (عبدالباقی، ۱۳۶۴ ق، ص ۴۷۴) که هر دو، فعل مضارع امر، از ریشه «علم» و خطاب به جمع مخاطب می‌باشد.

با تأمل در این روش پندار شکنی، چند نکته قابل دستیابی است:

۱. «اعلموا» و «فاعلموا»، حاوی پندار شکنی امری است. به استثنای آیات (التوبه: ۲-۳) که خطاب مستقیم به مشرکان بوده، و همچنین آیه (هود: ۱۴) که در آن اختلاف نظر وجود داشته؛ عده‌ای از مفسرین خطاب آیه را مستقیم با مسلمانان دانسته (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۷، ص ۳۲۷؛ طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۱۳۸) و عده‌ای دیگر عتاب را به صورت غیرمستقیم با واسطه رسول خدا (ص) به مشرکین می‌دانند (ابن قتیبه، ۱۴۲۳ ق، ص ۱۷۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰، ص ۱۷۱)؛ در تمامی موارد دیگر روی سخن بدون واسطه، با مسلمانان می‌باشد؛ لذا در اکثریت این آیات، تصحیح اندیشه‌های ناصحیح به صورت مستقیم می‌باشد.

۲. از ویژگی‌های این روش پندار شکن، لحن هشدار می‌باشد که به وسیله آن، مخاطب را تذکری متناسب با اهمیت موضوع داده، سعی در گسست توهمات ناصحیح بشری دارد.

الف) هشدار مقتدرانه با بیان ملایم: کلام وحی در این دسته از آیات، (که مخاطب همگی آنها مسلمانان هستند) با بیان بعضی از صفات پروردگار عالم و حقیقت خلقت انسان و جهان پیرامون او بدون استفاده از الفاظ خشن و شدید به تصحیح باورها می‌پردازد. آیات (البقره: ۲۰۳) و (البقره: ۲۰۹) و (المائده: ۳۴) و (البقره: ۱۹۴، ۲۲۳، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۴۴، ۲۶۷) و (المائده: ۳۴، ۹۲) و (الأنفال: ۲۴، ۲۸، ۴۰، ۴۱) و (التوبه: ۳۶، ۱۲۳) و (هود: ۱۴) و (الحجرات: ۷) و (الحديد: ۱۷).

ب) هشدار مقتدرانه با بیان شدید: (البقره: ۱۹۶) و آیه (الأنفال: ۲۵) که مخاطب در آنها مسلمانان هستند و دو آیه (التوبه: ۲) و (التوبه: ۳) که مخاطب مشرکان و کافران می‌باشند.

ج) هشدار مقتدرانه، با بیان توأم شدید و ملایم: آیات (المائده: ۹۷، ۹۸) و (الحديد: ۲۰)، در این جا کلام وحی برای تغییر در اندیشه‌های جاهلی بعضی از مسلمانان، از دو لحن شدید و ملایم در کنار یکدیگر استفاده نموده است.

۳. محتوای آیات حاوی این قالب تغییر پندار که با استفاده از بیان جملات امری و نهی، به همراه هشدار به کاررفته، شامل این موارد می‌شود:

الف) هشدار به منظور دقت نظر در صفات خداوند در آیات (البقره: ۲۰۹) و (المائده: ۹۸) و (الحديد: ۱۷) و (التوبه: ۲، ۳) و جایگاه والای پیامبر اسلام (ص) در آیات (المائده: ۹۲) و (الأنفال: ۲۴) و (هود: ۱۴) و (الحجرات: ۷) و ایجاد و تقویت اعتقاد به معاد و حسابرسی اعمال در آیات (الأنفال: ۲۵) و (الأنفال: ۲۸) و (الحديد: ۲۰) به عنوان گزاره‌های بنیادین و گرانمایه دین، به منظور تصحیح باورها و توهمات نادرست باقیمانده از گذشتگان، پیرامون این سه کلان موضوع

ب) تغییر در بعضی از افکار و عقاید و تصورات ذهنی غلط و باطل عده‌ای از مسلمانان که در دوران جاهلیت، به آن اعتقاد داشته، به دنبال آن اعمال و رفتار نامناسب و سقیم انجام می‌دادند که لازم است در فضای اعتقادی جدید، بر اساس دستورات الهی تغییر و تصحیح شود. مانند:

ب-۱) در آیات (البقره: ۱۹۴، ۲۴۴) و (المائده: ۳۴) و (الانفال: ۳۹، ۴۱) و (التوبه: ۳۶، ۱۲۳)، سخن از اصلاح آیین و رسوم جنگ و جدال رایج در قبل از اسلام و تعیین ضوابطی جدید و سفارش برای مقابله و پیکار با دشمنان خدا مطابق با دستورات الهی می‌باشد.

ب-۲) در آیات (البقره: ۱۹۶، ۲۰۳) اصلاح عادات و اندیشه‌های جاهلی پیرامون اعمال حج و عمره بیان شده است.

ب-۳) در آیات (البقره: ۲۲۳، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۵) قرآن بعضی از مسائل خاص زنان و امور زناشویی را مطرح نموده، مواردی پیرامون ارتباط بین زن و مرد از جمله طلاق و خواستگاری از زنان بیوه و حقوق پدر و مادر و فرزندان، نسبت به یکدیگر را متذکر شده، به تعدادی از رسوم و رسوم گذشته انتقاد نموده، نسبت به تغییر آن‌ها اقدام می‌نماید (ابن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۹۲ - ۱۹۹).

ب-۴) انفاق از جمله خصلت‌های بارز اعراب عصر جاهلی بوده که اولاً در بیشتر اوقات جهت تفاخر مقابل اعضاء قبیله و بین سایر قبایل جریان داشته (زر سازان، ۱۳۷۸ش، ص ۲۲۵) و ثانیاً به دلیل گسترش همه‌جانبه ربا در آن فضای اقتصادی (مصباحی مقدم و احمدوند، ۱۳۸۸ش، صص ۴۰، ۵۳، ۶۳، ۶۷)، بعضاً انفاق از محل درآمدهای ربوی انجام می‌شد. از این رو قرآن در آیه (البقره: ۲۶۷) به مسلمانان دستور می‌دهد؛ تصورات ذهنی خود را نسبت به نحوه انفاق و بخشش به دیگران اصلاح نموده، از اموال با حلال خویش احسان نمایند.

۱-۳. «فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» و «سَيَعْلَمُونَ» و «فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» و «فَسَتَعْلَمُونَ» و «سَيَعْلَمُ» عبارات «فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» شش مرتبه و «فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ»^۱ پنج دفعه و «سَوْفَ تَعْلَمُونَ» چهار بار و «سَيَعْلَمُونَ» و «فَسَتَعْلَمُونَ» هر دو کلمه، سه دفعه و «فَسَيَعْلَمُونَ» و «سَيَعْلَمُ» هر کدام، دو مرتبه و «سَوْفَ يَعْلَمُونَ» یکبار در آیات قرآن کریم استفاده شده است (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، صص ۴۷۰-۴۷۴)، و فعل مضارع مفرد «يَعْلَمُ» در معنای جمع و دو فعل جمع «تَعْلَمُونَ» و «يَعْلَمُونَ» با حرف تنفیس «سین و سوف» که باعث توسیع زمانی فعل مضارع می شود، همراه شده، زمان آن را توسعه داده و از حال تبدیل به استقبال می کند.

مطابق نظر الکشاف و جوامع البیان هر دو حرف، علاوه بر استقبال، به منظور تأکید در انجام و عده داده شده، استعمال گردیده بر تحقیق حتمی آن اتفاق تصریح می کنند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۸۹؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۶۹)؛ لذا همراه با واژه «علم» به معنای آگاهی و دانشی است که در آینده حتما برای فرد ایجاد شده، واقعیت موضوع به صورت کامل و بی پرده روشن می گردد.

با دقت در این آیات موارد زیر به نظر می رسد:

۱. این گروه از آیات پندارشکن خبری، حاوی تهدیدی شدید به همراه تأکید بر تحقق حتمی آن در قیامت و خطاب به کافران و مشرکان و تکذیب کنندگان پیامبران الهی می باشد (ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج ۵، ص ۱۲۰). واژه های «فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» و «سَوْفَ يَعْلَمُونَ» و «سَيَعْلَمُونَ» و «سَيَعْلَمُ» یک آموزش عمومی غیرمستقیم است و با استفاده از سخن گفتن با کسانی که ظاهراً وجود خارجی ندارند و از بین رفته یا غایب اند، در حقیقت با عموم مردم گفتگو می نماید. «سَوْفَ تَعْلَمُونَ» و «فَسَتَعْلَمُونَ» در آیات (الأُنعام: ۶۶، ۶۷) و (الأُنعام: ۱۳۵) و (الزمر: ۳۹) و (طه: ۱۳۵) و (الملک: ۲۹) با واژه «قُل» و در آیات (هود: ۳۸، ۳۹) و (هود: ۹۲)،

^۱ «فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» در شش آیه استفاده شده ولی در آیه (الاعراف: ۱۲۳) گفتگوی فرعون با ساحران مقلوب شده توسط حضرت موسی (ع) است که از بحث پندارشنکی خارج است.

۹۳) با کلمه «قال» همراه شده است و کلام وحی با استفاده از تکنیک انتقال پیام توسط شخص ثالث و با واسطه قراردادن شخص رسول اکرم (ص) و دیگر انبیاء الهی، به صورت غیرمستقیم به اصلاح اندیشه‌های منحرف می‌پردازد؛ لکن در آیات (التکواثر: ۳، ۴) و (الملک: ۱۷) به صورت گفتگوی مستقیم با منکران آموزش‌های الهی ارتباط برقرار نموده و در آیات (النحل: ۵۵) و (الروم: ۳۴) از پدیده التفات غیبی به خطاب استفاده شده که نشان از بیان تند کلام پندار شکنانه وحی در این دو آیه دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۸۳).

لذا به نظر می‌رسد، در اینجا ترکیبی از پندار شکنی با واسطه و تصحیح باور مستقیم باشد؛ مانند آنکه برای اعتراض به افکار و اعمال نادرست فرد یا گروهی، ابتدا عقاید و اعمال کسانی که غایب‌اند و مشابه آنان می‌اندیشند، مورد انتقاد قرار گیرد و سپس وجه کلام از سخن پیرامون غایبان به حاضران تغییر نموده، با بیان جمله «به‌زودی نتایج توهمات خود را خواهید دید» به دنبال تأکید مضاعف و تأثیرگذاری بیشتر و عمیق‌تر در مخاطب می‌باشد.

۲. از ویژگی‌های این روش شکننده توهمات، در اغلب قریب به اتفاق موارد، لحن تهدیدی و توبیخی آنها و آیات قبل و بعدشان می‌باشد که نشان از شدت کلام قرآن در این قالب گسست تأملات بشری دارد. مانند: (الحجر: ۴) و (العنکبوت: ۶۸) و (الصافات: ۱۷۶، ۱۷۷) و (الغافر: ۷۱، ۷۲) و (الفرقان: ۴۰) و (القمر: ۳۹) و (مریم: ۷۴) و (الجن: ۲۳) و (النبا: ۲۱) و (الأنعام: ۶۵) و (هود: ۳۹، ۹۳) و (الزمر: ۴۰) و (الملک: ۱۶، ۲۸) و (التکواثر: ۶، ۷).

۳. محتوای این گروه از آیات پندار شکن حول کلان موضوع اعتقاد به یگانگی خدا و پذیرش فرستادگان الهی می‌باشد. شامل موارد ذیل می‌گردد.

الف) کلام وحی در آیات (الملک: ۱۷) و (النحل: ۵۵) و (الروم: ۳۴) و (الحجر: ۳ و ۹۶) و (الرعد: ۴۲) و (الشعراء: ۲۲۷) و (العنکبوت: ۶۶) و (صافات: ۱۷۰) و (غافر: ۷۰) و (الزخرف: ۸۹) و (الفرقان: ۴۲) و (مریم: ۷۵) و (الجن: ۲۴) و (الأنعام: ۶۷، ۱۳۵) و (الزمر: ۳۹) و (طه: ۱۳۵) و (الملک: ۲۹) کسانی را که معبود دیگری را با خدا همراه نموده، کفر ورزیده

و خیال می کنند در مقابل خداوند می توانند از مکر و حيله استفاده نموده، با ظلم و ستم به مقاصد خود دست یابند، را تهدید می نماید و با استفاده از این روش که با شدت بیان و تهدید عظیم قیامت و تأکید بر آن همراه شده، در صدد اصلاح باورهای ناسالم آنها می باشد.

ب) در آیات (القدر: ۲۶، ۳۰، ۳۱) سخن از معاندان هم عصر حضرت صالح (ع) است؛ خداوند در عبارت «سَيَعْلَمُونَ عَذَابًا» به صورت غیر مستقیم آنان را مورد خطاب قرار داده، تهدید می کند، به اتفاقی که موجب هلاکت آنها در دنیا می شود یا عذابی که در قیامت بر آنان نازل می گردد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۳۸) و آن زمان، خواهند فهمید که صالح پیامبر (ع) دروغگو است یا کسانی که او را تکذیب کردند؟ و در آیات (هود: ۳۹) و (هود: ۴۴) نیز از زبان حضرت نوح (ع) و در (هود: ۹۲، ۹۳) نیز از لسان حضرت شعیب (ع) به کسانی که حرمت الهی را نگه نداشته، مطابق تصورات باطلشان عمل می کنند را مورد تهدید شدید قرار می دهد؛ لذا قرآن کریم با بهره گیری از روش پندار شکنی غیر مستقیم در این آیات، در صدد ایجاد بستر مناسب جهت گسست پندارهای مهلک عده ای از انسان های سرکش است که علی رغم تمام آموزش های الهی، همچنان بر توهمات خود پافشاری می نمایند.

ج) در آیات (النبا: ۴، ۵) جمله «سَيَعْلَمُونَ» و (التكاثر: ۳، ۴) عبارت «سَوْفَ تَعْلَمُونَ» به طور اجمال تأکید به اتفاقی دارد که به زودی خواهد افتاد. با توجه به دیگر آیات این دو سوره، به روشنی مشخص می شود که منظور از این رویداد مهم، قیامت و حسابرسی اعمال است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۲۰۴)؛ از این رو قرآن کریم در این دو سوره اقدام به رمزگشایی نموده، مراد از آنچه که در آیات این گروه پندار شکن به آن وعید داده و تهدید نموده، را معرفی کرده، ویژگی های آن را بر شمرده، و آن را قریب الوقوع دانسته (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، ص ۱۲-۲۶، ج ۳۲، ص ۲۷۱-۲۷۳) و به این وسیله نقطه ابهام انگیز در تهدید بیان شده در این روش تصحیح توهمات انسانی را روشن می نماید.

۲. سطح ساختار

در گستره وسیعی از آیات قرآن، از ساختارهای ادبی متنوعی استفاده شده که هر کدام رسالت ویژه‌ای در رساندن معارف الهی به عموم انسان‌ها را دارند. این ساختارها، شامل کلمات و الفاظی هستند که مفهوم و منظور ویژه‌ای را به مخاطب کلام وحی منتقل می‌نمایند. تعدادی از ساختارهای حاوی واژه «علم» دارای مفهوم تصحیح افکار بوده که در ادامه بررسی می‌گردد.

۱-۲. «إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

این عبارت جمله‌ای شرطی است که از حرف شرط «إِنْ» و فعل ماضی ناقص «كُنْتُمْ» و فعل مضارع «تَعْلَمُونَ» تشکیل شده است. این ساختار در مجموع ده مرتبه در قرآن کریم استعمال شده است (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۴۷۰). هرگاه فعل «کان» در کنار فعل مضارع قرار گیرد، به معنای ماضی استمراری می‌باشد، ولی به دلیل اینکه در سیاق شرط، مؤول به آینده شده، به صورت مضارع التزامی درآمده (شرتونی، ۱۳۸۷ش، ج ۴، ص ۲۱۰، ۳۷۵) و در معنی ظاهری اگر بدانید، به کار می‌رود؛ لکن درحقیقت تأکید دارد، اگر اراده فهمیدن داشته باشید، قادر خواهید بود، به واقعیت مطلب پی برده و به صحت آن اطمینان و یقین پیدا کنید؛ لذا در تمامی این آیات سخن از تذکری هشدار گونه بوده که اگر از عقل و دانش استفاده نمایید، می‌توانید، حق و باطل، را از یکدیگر تمیز داده (شیخلی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۳۲۳)، تصورات و موهومات ذهنی نادرست خود را اصلاح نموده، نفع و زیان حقیقی خود را تشخیص دهید.

باتوجه به این روش تغییر پندار، نکاتی قابل دستیابی می‌باشد:

۱. این روش پندار شکن به وسیله گفتگو و بیان جمله شرطی «إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» در صدد جلب توجه مخاطب و به دنبال آن تفهیم مطلب و پذیرش آن می‌باشد. این روش، در آیات

(البقره: ۱۸۴، ۲۸۰) و (التوبه: ۴۱) و (النحل: ۹۵) و (الصف: ۱۱) و (الجمعه: ۹) که مخاطب آنها مسلمانان هستند، حاوی پندارشکنی مستقیم بوده، در آیات (الأنعام: ۸۱) و (المؤمنون: ۸۴، ۸۸) و (العنکبوت: ۱۶) که صحبت از معاندان و مشرکان می‌باشد، کلام وحی آنها را در معرض یک آموزش غیرمستقیم قرار داده، با واسطه قراردادن رسول اسلام (ص) و حضرت ابراهیم (ع) افراد گمراه را هشدار داده، باورهای صحیح را به آنها متذکر می‌شود.

۲. لحن پندارشکنی جملگی این ده آیه، مقتدرانه، همراه با بیانی ملایم بوده و در سیاق آنها نیز جز در آیات (البقره: ۲۷۹) و (التوبه: ۴۲) و (النحل: ۹۴) که با تعبیر انتقادی و بعضاً با شدت بیان توأم بوده در بقیه موارد لحن کلام وحی در عین اقتدار، ملایم و معتدل می‌باشد که نشان از روش پندارشکن جذب‌کننده دارد.

۳. محتوای این آیات تغییر پندار که با بیان هشدار توأم با جمله‌ای شرطی و ملایم به کاررفته، شامل این موارد می‌شود:

الف) در آیات (البقره: ۱۸۳، ۱۸۴) سخن از امر به روزه‌داری و شرایط و استثنائات آن بوده، در انتهای آیه، قرآن با عبارت «أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» مسلمانان را به روزه‌داری تشویق نموده، با استفاده از این روش پندارشکن تلویحی، اقدام به تغییر در اندیشه نادرست عده‌ای می‌نماید که روزه‌داری را خالی از فائده دانسته، روزه نگرفتن را بهتر از امساک نمودن می‌دانند.

ب) در آیات (البقره: ۲۷۸، ۲۷۹) کلام وحی به مؤمنان با لحن شدید هشدار داده و آنها را از معاملات ربوی نهی می‌نماید و در ادامه در آیه (البقره: ۲۸۰) با آهنگ کلام ملایم، مسلمانان را متذکر نموده، برخلاف آنچه که بعضی به آن معتقدند و ثروت را ملاک ارزش‌گذاری کرامت خود و دیگران در دنیا و حتی آخرت قرار می‌دهند (الهمزه: ۳، ۴) بخشش بدهی به کسی که توانایی کافی ندارد، برای شما سودمندتر از دریافت آن می‌باشد.

ج) کلام وحی در آیات (التوبه: ۳۸-۴۰) خطاب به مسلمانان، با لحنی شدید، فرمان مقابله با دشمنان خدا و یاری رساندن به پیامبر اسلام (ص) را داده، از دنیاگرایی انتقاد می‌نماید. سپس در آیه (التوبه: ۴۱) با گویشی ملایم، از روحیه جاهلانه عده‌ای که ضررهای مادی و جانی پشتیبانی از دین خدا را تحمل نداشته و عامل خسران خود می‌دانند؛ انتقاد نموده، اقدام به تصحیح باورهای نادرست آنها می‌کند.

د) در آیه (النحل: ۹۴) از سوگندهای کذب شدیداً انتقاد نموده، برخلاف ذهنیت عده‌ای که نقض پیمان الهی را دربردارنده امنیت و منفعت دنیوی می‌دیدند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۱۰) در آیه بعد با بیانی ملایم پندارشکنی می‌نماید که هرکس عهد خدا را با چیزی از امور مادی معاوضه نماید، متضرر گشته و آن کالایی که به دست می‌آورد در مقابل آنچه نزد خداست، بی‌ارزش بوده، وفای به پیمان ثمربخش‌تر می‌باشد.

هـ) ابتدا کلام وحی در آیه (الصف: ۱۰) با توجه به روحیه مادیگرایانه عده‌ای از مسلمانان (ولوی و تقوی، ۱۳۹۱ش، ص ۱۱۷)، با لحن ملایم خطاب به آنها، سؤال مطرح نموده، توجه ایشان را به تجارتي جلب می‌کند که نجات‌دهنده از عذاب الهی می‌باشد و در ادامه با همین آهنگ کلام در آیه (الصف: ۱۱) این تجارت را ایمان به خدا و پیامبر او و جهاد در این راه، با تمام امکانات مادی و جانی معرفی نموده، این دادوستد را پرمفعت‌تر از باورهای آنها دانسته، اقدام به پندارشکنی می‌نماید.

و) در آیه (الجمعه: ۹) نیز قرآن به مسلمانان تأکید می‌کند که برخلاف آنچه در اذهان عده‌ای نقش بسته و تعطیلی در کسب و کار را عامل زیان خود می‌دیدند؛ دست از کار کشیدن موقتی در هنگام اقامه نماز جمعه، سودمندتر برای آنها بوده و با این روش پندار ناصحیح را اصلاح می‌نماید.

ز) قرآن کریم در تعداد دیگری از آیات حاوی این روش پندارشکن، خطاب با واسطه را متوجه مشرکان نموده، در آیات (المؤمنون: ۸۴، ۸۸) از زبان پیامبر اسلام (ص) و

در آیات (الانعام: ۸۱) و (العنکبوت: ۱۶) از زبان حضرت ابراهیم (ع) با آهنگ کلام ملایم و به صورت غیرمستقیم با بت پرستان هم عصر ایشان گفتگو می نماید و این جاهلان را با استفاده از عبارت «إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» به چالش کشیده، با بهره گیری از معلومات و محسوسات قابل درکشان (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۲۹۰) آنها را از دادن نسبت های نادرست به خداوند و اعتقادات غلط و شرک و الحاد انذار داده در ادامه به بندگی خدا دعوت نموده، اقدام به تصحیح توهمات ذهنی آنان می کند.

۲-۲. «لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»

این عبارت ادبی که در مجموع هشت مرتبه در کلام وحی مورد استفاده قرار گرفته (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۴۷۳، ۴۷۴) شامل حرف شرط غیر جازم «لو» و فعل ماضی ناقص «كانوا» و فعل مضارع «يعلمون» می باشد. «لو» که از لحاظ دستوری تمنی یا شرطیه به شمار می رود و «كانوا» در کنار فعل مضارع در معنای ماضی استمرای بوده (شرتونی، ۱۳۸۷ش، ج ۴، ص ۲۱۱) لذا معنی این عبارت، ای کاش می دانستند و یا اگر می دانستند، می باشد؛ ولی در تفسیر طیب البیان «لو» در معنای امتناعیه به کاررفته و به معنای «هرگز اینها تا مشاهده نکنند، نمی دانند»، بیان شده است (طیب، ۱۳۶۹ش، ج ۱۳، ص ۱۴۱).

با بررسی در محتوای این آیات استنباط می شود:

۱. «لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» حاوی پیامی شرطی، به همراه تأکید تأمل انگیزی بوده و در ظاهر، سخن از کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی می باشد. کلام وحی در این آیات با بیان شرح حال اندیشه های کسانی که ظاهراً وجود خارجی ندارند و از بین رفته یا غایب اند، یک آموزش عمومی غیرمستقیم ارائه نموده با گویش شرطی - تمنایی و استفاده از کلمات مقدر سعی در ایجاد چالش در ذهن مخاطب قرآن کریم دارد و با بهره گیری از این تکنیک در صدد جلب توجه و به دنبال آن پندار شکنی تلویحی و اصلاح باورهای نادرست و در نتیجه متنبه شدن عموم انسان ها پیرامون موضوعات مطرح شده، می باشد.

۲. از ویژگی‌های این روش تلویحی شکننده توهمات ذهنی، لحن انتقادی آنها و بیان بعضاً شدید آیات قبل و بعد آنها می‌باشد. که نشان از فاصله زیاد این باورهای نادرست از واقعیت جهان هستی در این قالب گسست تأملات بشری دارد. مانند:

الف) لحن انتقادی و همراه با کنایه: (البقره: ۱۰۲) و (العنکبوت: ۴۲) و (العنکبوت: ۶۵).

ب) لحن عذابی و شدید: (العنکبوت: ۴۰) و (سبأ: ۱۲) و (الزمر: ۲۶) و (القلم: ۳۳).

۳. محتوای این آیات شامل این موارد می‌شود:

الف) برخلاف تصور عده‌ای که می‌پندارند، با استفاده از نیروی سحر می‌توانند، تصرفاتی در امور دنیا انجام داده، در اراده خداوند تأثیر گذارده، منافی را کسب نمایند؛ آیات (البقره: ۱۰۲، ۱۰۳) خطاب به مخاطب خود، پندارشکنی نموده و گوشزد می‌کند، تحقق سحر خارج از اراده خداوند نبوده، استعمال آن، برای حرکت در مسیر سعادت سودمند نمی‌باشد.

ب) قرآن کریم در آیه (النحل: ۴۱) بیان می‌کند، برخلاف آنچه که در ذهن بعضی نقش بسته، اگر کسانی که در راه خدا امکاناتی را از دست داده‌اند، صبوری و هجرت نمایند، خداوند نه تنها در این دنیا از آنها حمایت می‌نماید؛ بلکه در آخرت چنان پاداشی به آنها اعطا می‌شود که با ارزش‌تر از تمام مواهب دنیا خواهد بود (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۵۱۵).

ج) کلام وحی در آیه (العنکبوت: ۴۱) کسانی که غیر از خدا را به اولیایی خویش برگزیده‌اند، را به خانه‌ای که عنکبوت می‌تند، تشبیه نموده در ذهن مخاطب قرآن تلویحاً پندارشکنی نموده، می‌فرماید، اگر دقت و تفکر می‌کردند، می‌فهمیدند که همان‌طور که خانه این جانور، از سست‌ترین خانه‌هاست، این ارتباط و تعامل، ضعیف‌ترین و بی‌هوده‌ترین، رابطه و پیوند می‌باشد.

د) قرآن کریم در آیه (العنکبوت: ۶۴) تصور عده‌ای که برای دنیا اصالت ویژه‌ای در نظر گرفته‌اند را با بیان جمله «اگر مردمی دانا بودند، می‌دانستند» به چالش گرفته، اقدام به

تصحیح این توهم می‌نماید. برخلاف باور آنها، کلام وحی زندگی دنیا را منحصر در لهو و لعب دانسته، حقیقت معنای زندگی، یعنی کمال آن را، از زندگی دنیا نفی نموده، ماهیت جامع و کاملی را برای زندگی آخرت اثبات می‌کند.

هـ) در آیه (سبأ: ۱۴) نیز کلام وحی برخلاف تصور عده‌ای که برای موجودی به نام جن، ویژگی‌های خاصی قائل‌اند، پندار شکنی نموده، این موجودات را فاقد توانایی درک دانش و آگاهی، بر پنهانی‌ها و آنچه ناپدید از مردم می‌باشد، معرفی می‌نماید.

و) در آیات (الزمر: ۲۶) و (القلم: ۳۳) ابتدا سخن از عذاب معاندان در دنیا و سختی‌های آن است و در ادامه کلام وحی برخلاف تصور آنها که غیر از دنیا و محسوسات ظاهری آن به هیچ کدام از واقعیت‌های عالم معنا اعتقاد ندارند، از وجود واقعی انکار نشدنی به نام مجازات در آخرت خبر داده، می‌فرماید، اگر مشرکین دقت کافی می‌کردند، می‌دانستند، عذاب آخرت به مراتب سخت‌تر و دردناک‌تر از عذاب دنیا است، لذا خود را در معرض عوارض ناشی از نافرمانی الهی قرار نمی‌دادند.

۲-۳. «أُولَئِكَ يَعْلَمُوا» و «أَلَمْ يَعْلَمُوا» و «أَلَمْ يَعْلَم» و «أُولَئِكَ يَعْلَم»

عبارات قرآنی «أَلَمْ يَعْلَم» در آیه (العلق: ۱۴) و «أُولَئِكَ يَعْلَم» در آیه (القصص: ۷۸) و «أُولَئِكَ يَعْلَمُوا» در آیه (الزمر: ۵۲) و «أَلَمْ يَعْلَمُوا» در آیات (توبه: ۶۳، ۷۸، ۱۰۴) استفاده شده است. این ساختارهای وحیانی حاوی همزه استفهام و حرف «لم» می‌باشند. این حرف از ادات جزم بوده، بر فعل مضارع داخل شده، آن را در لفظ مجزوم و در معنا به ماضی منفی مطلق تبدیل می‌کند (شرتونی، ۱۳۸۷ش، ج ۴، ص ۱۷۴) و در ترکیب ظاهری آنها حرف «واو» به دلیل وجود همزه استفهام که صدارت طلب بوده، بعد از همزه آمده، است.

باتوجه به این روش تغییر پندار، نکاتی قابل دستیابی می‌باشد:

۱. این اسلوب، حاوی استفهام انکاری (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۵۲۴) با استفاده از تکنیک سخن با کسانی که ظاهراً وجود خارجی ندارند و از بین رفته یا غایب‌اند؛ به

منافقان و مشرکان و همه انسان‌ها را آموزش غیرمستقیم داده، درصدد متنبه شدن و به تبع آن اصلاح عقاید و اعمال آنها می‌باشد؛ لذا کلام وحی با «أَلَمْ يَعْلَمُوا» و ساختارهای هم معنای آن یک آموزش پندار شکن عمومی با واسطه داده و در حقیقت با عموم مردمی گفتگو می‌نماید که از روی نادانی، بافته‌های ذهنی خود را صحیح انگاشته و بر گمراهی خود واقف نیستند.

۲. از ویژگی‌های این آیات، لحن توییحی و تنبیهی آنها می‌باشد. این پندار شکنی در اغلب موارد بین یک سیاق نکوهش گونه، همراه با وعده عذاب قرار داشته، نشان از شدت کلام قرآن در این قالب گسست تأملات بشری دارد. مانند:

(الف) مقتدرانه همراه وعده عذاب: (التوبه: ۶۳) و (التوبه: ۷۹) و (القصص: ۷۸) و (الزمر: ۵۱) و (العلق: ۱۵-۱۸)

(ب) لحن و نوع بیان در آیه (التوبه: ۱۰۴) و آیات هم سیاق آن انتقادی شدید همراه با وعده عذاب خطاب به منافقان (التوبه: ۱۰۱) و مقتدرانه و ملایم خطاب به توابعین می‌باشد (التوبه: ۱۰۲).

۳. محتوای این دسته از آیات، اقدام در جهت تکذیب تعدادی از اعتقادات انحرافی، منافقان و مشرکان و معاندان درباره تقابل با خداوند و پیامبر اسلام (ص) می‌باشد. بررسی این مفاهیم و حیانی نشان می‌دهد:

(الف) در آیات (التوبه: ۶۳، ۷۸) و آیات هم سیاق آنها، سخن از اندیشه جاهلانه منافقان در مخالفت با اوامر الهی و پیمان شکنی با پیامبر (ص) می‌باشد؛ لذا کلام وحی شدیداً افکار سخیف آنها را مورد انتقاد قرار داده، می‌فرماید: آیا اینها ندانستند؟ (حتما باید بدانند) به طور قطع خداوند، عالم به اسرار درونی آنهاست و از توطئه‌های پنهایی که با یکدیگر دارند، آگاهی کامل دارد و هر کس می‌پندارد با پیمان شکنی و دشمنی با خدا و رسول او (ص) می‌تواند، منافع دنیوی خود را حفظ نماید، برخلاف آنچه گمان می‌کند،

این نفاق و سرپیچی، موجب زیان حقیقی آنها بوده، وجودشان را در معرض عذاب سخت الهی قرار می‌دهند.

ب) در آیات (الزمر: ۵۲) و (القصص: ۷۸) کلام وحی در صدد گسست موهومات گروهی از مشرکان و معاندان بوده که توانایی‌های مختلف، از جمله علم و آگاهی به مسائل خاص که همگی از جانب خداوند می‌باشند را به خود نسبت داده، می‌پندارند، جایگاه ممتازی که در آن قرار دارند، نتیجه علم و هنر آنهاست؛ لذا کلام وحی این نگرش را رد نموده با استفاده از استفهام انکاری و توییحی و با بیان واقعیت انتساب حقیقی تمام نعمت‌ها و توزیع آنها بین انسان‌ها به خداوند متعال و تأکید بر توانایی نابودی نعم ناسپاسان، مانند آنچه بر امت‌های حق شناس گذشته وارد شده (اشکوری، ۱۳۷۳ش، ج ۳، ص ۴۹۶) خیال موهوم این عده را به چالش کشیده، سعی در گسست باورهای باطل آنها دارد.

ج) در آیه (العلق: ۱۴) نیز سخن از تکذیب توهم ذهنی کسی است که می‌پنداشت می‌تواند با پیامبر اسلام (ص) مقابله نموده، سدی در برابر هدایت الهی گردد؛ از این رو کلام وحی با استفاده از استفهام انکاری بیان می‌کند: آیا او ندانست که خدا می‌بیند که او چه می‌کند؟ و خویش را در معرض چه عذاب سنگینی قرار می‌دهد؟ و به این معنی است که باید بدانند برخلاف آنچه می‌پندارد، محمد (ص) بنده خدا و بر طریق هدایت و پرهیزگاری است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۷۸۲)؛ لذا به این وسیله گمان موهوم مقابله با هدایت الهی و کذب بودن دعوت پیامبر (ص) را شدیداً رد نموده، سعی در گسست اندیشه‌های سقیم دارد.

۲-۴. «أُولَا يَعْلَمُونَ»

عبارت قرآنی «أُولَا يَعْلَمُونَ» که فقط یکبار در آیه (البقره: ۷۷) استفاده شده (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۴۷۳) حاوی استفهامی تقریری و توییحی به همراه فعل منفی مضارع و حرف عطف «واو» می‌باشد (کرباسی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۰۲). محتوای این آیه و سیاق همراه آن،

تصریح برگسترده‌گی علم و آگاهی خداوند بوده و در تقابل با باور کسانی است که می‌پندارند، توانایی مخفی نگه داشتن و یا تحریف حقایق را از منظر و نظر پروردگار عالم داشته، می‌توانند در مسیر هدایت الهی خلل ایجاد نمایند و در عین حفظ منافع دنیوی خود، آثار سوء اعمال خویش را از خدا پنهان داشته، در قیامت قادر خواهند بود، میزان عذاب الهی را مدیریت نموده، آن را کاهش دهند (دروزه، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۱۸۲).

بررسی این آیه نشان می‌دهد:

۱. این روش تصحیح اندیشه، حاوی استفهام تقریری به همراه ملامت، درصدد گسست توهم یهودیان و دیگر افرادی است که خداوند را محدود در عالم ماده دانسته، آگاه از غیب و باطن امور نمی‌دانند (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۴۴۳) «أولاً یَعْلَمُونَ» آموزش غیرمستقیم و با واسطه می‌باشد؛ زیرا با استفاده از سخن گفتن با کسانی که ظاهراً وجود خارجی ندارند و از بین رفته یا غایب‌اند، در حقیقت با عموم مردمی گفتگو نموده که به علت نادانی گرفتار توهم شده، خیال می‌کنند، علم الهی همانند انسان‌ها دارای محدودیت بوده، به این وسیله کلام وحی اقدام به پندارشکنی می‌نماید.
۲. لحن و آهنگ پندارشکنی در آیه (البقره: ۷۷) و آیات همراه آن مانند (البقره: ۷۹) و (البقره: ۸۱) انتقادی و حاوی گفتاری شدید می‌باشد.

۲-۵. «لَوْ یَعْلَمُ»

این عبارت فقط یک مرتبه در آیه (الانبیاء: ۳۹) استفاده شده است (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۴۷۲). در سه آیه قبل از این کلام آسمانی سخن از کافران و مشرکانی است که به دلیل باور نادرستی که نسبت به پرستش خدایان و الهه‌های مختلف داشتند، از روی نادانی و تعصب از یاد خداوند رحمان روی گردان بوده، آموزش‌های الهی و رسول خدا (ص) و مؤمنان را به تمسخر گرفته، می‌گفتند: اگر راست می‌گویید، این قیامت که وعده آن را

می‌دهید، کی خواهد بود؟ از این رو در ادامه کلام وحی با عبارت «لَوْ يَعْلَمُ» اقدام به گسست خیالات موهوم آنها می‌نماید.

با بررسی این آیه دریافت می‌شود:

۱. عبارت شرطی - تمنایی «لَوْ يَعْلَمُ» یک آموزش عمومی غیرمستقیم است و با استفاده از توصیف شدت عذاب الهی و تهدید کسانی که ظاهراً وجود خارجی ندارند و از بین رفته یا غایب‌اند، در حقیقت با تمام انسان‌ها گفتگو نموده و هشدار صریح و شدید می‌دهد که اگر همانند توهم مشرکان و کافران بیاندیشید و عمل ننمایید، شما نیز به عاقبت این معاندان گرفتار خواهید شد؛ لذا در پندارهای ناسالم خود تغییر داده، عقاید صحیح را جایگزین نمایید.

۲. لحن پندارشکنی این آیه و سیاق متفقشان، مانند: (الانبیاء: ۴۰) با توجه به تدبیر انتقال با واسطه مطلب به مخاطب امروزی در هر دو صورت معنایی تمنایی و شرطیه «لَوْ» دارای گویشی تهدیدی و شدید می‌باشد.

۳. سطح جمله

جمله، مجموعه به هم پیوسته‌ای از واژه‌ها است که معنی آن‌ها کامل و مستقل بوده توصیف ذهنی به دست داده، پیامی را بیان می‌کند (لوبر، ۱۳۹۹ش، ص ۵۰). متن وحیانی قرآن کریم با استفاده از جملات حاوی واژه «علم» و انتقال مفاهیم ویژه آن در صدد پندارشکنی توهمات ذهنی انسان‌ها می‌باشد.

۳-۱. «اللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

پنج آیه از آیات قرآن کریم حاوی این جمله بوده (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۴۷۰) که در چهار آیه (البقره: ۲۱۶، ۲۳۲) و (آل عمران: ۶۶) و (النور: ۱۹) با «واو» استیناف (کرباسی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۹۳، ۳۲۳، ۴۹۸، ج ۵، ص ۴۱۲) و در آیه (النحل: ۷۴) با حرف تأکیدی

مشبه بالفعل «إِنَّ» (کرباسی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۳۴۱) همراه شده، حاوی ظرافت بیانی ویژه‌ای از انتقال مطلب و به دنبال آن پندارشکنی می‌باشد.

بررسی این آیات نشان می‌دهد:

۱. در این عبارت قرآنی، خطاب به صورت ویژه‌ای می‌باشد. با دقت در آیات (البقره: ۲۱۶، ۲۳۲) و (آل عمران: ۶۶) و (النحل: ۷۴) و (النور: ۱۸، ۱۹) دریافت می‌شود که ابتدای کلام، روی سخن با مخاطب حاضر بوده، در ادامه، کلام وحی با ظرافتی به جمله موردنظر رسیده، جمله «اللَّهُ يَعْلَمُ» که غایب است را به «وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» که خطاب به حاضران است، پیوند می‌دهد. با دقت در این نوع انتقال مطلب روشن می‌شود، پیامرسانی غیرمستقیم می‌باشد و به نظر می‌رسد، اگر مراد، پیامرسانی مستقیم بود با فعل «أَعْلَمُ» همراه می‌شد؛ لذا خداوند در این روش با استفاده از واسطه و حیانی که پیامبر اسلام (ص) هستند، با عموم مردم سخن گفته، دست به پندارشکنی زده است؛ بنابراین این گزاره یک آموزش خبری با واسطه به حساب می‌آید. مانند آنکه از طرف شخص عالمی ابتدا با نقل قول مستقیم در موضوعی به جمعی هشدار داده شده، اطلاع‌رسانی شود و در پایان کلام، جهت تثبیت مفاهیم در اذهان و رفع هرگونه تردیدی، شخص واسطه، جمله «من می‌دانم و شما نمی‌دانید» را نقل قول غیرمستقیم نموده، تا بگوید، دقت داشته باشید، فلانی اطلاع کامل دارد و این شما هستید که نمی‌دانید و این‌گونه اهمیت موضوع برای مخاطب ملموس‌تر خواهد بود. از طرفی دیگر در تعدادی از این آیات با تأمل در سیاق متفقدشان (البقره: ۲۱۵، ۲۲۲) و (آل عمران: ۶۴) دیده می‌شود، شروع مبحث با واژه «قل» بوده، این نیز نشان‌دهنده پندارشکنی با واسطه در این گروه از آیات الهی می‌باشد.

۲. لحن و آهنگ پندارشکنی در این آیات و سیاقشان، شامل دو بخش می‌باشد:

الف) در آیات (البقره: ۲۱۶) و (البقره: ۲۳۲) که خطاب قرآن به حاضران و روی سخن با مسلمانان است، گویش امری یا نهی با گفتاری ملایم می‌باشد و همچنین در آیات (آل عمران: ۶۵، ۶۶) و (النحل: ۷۳، ۷۴) نیز که مخاطبان حاضر و غیرمسلمانان هستند، همچنان

آهنگ گویش، ملایم، البته مقتدرانه و انتقادی و مصحح توهمات آن‌ها بوده، به نظر می‌رسد، کلام وحی در این گروه از آیات، با استفاده از رویکرد جذب‌کننده، درصدد اصلاح توهمات می‌باشد.

ب) بخش دوم در آیات (النور: ۱۷، ۱۸) لحن کاملاً ملایم و البته انتقادی بوده؛ ولی هنگامی که روی سخن از مخاطب به غایب تغییر نماید، با آنکه بعضی از مسلمانان هدف کلام وحی بوده و پندارشکنی متوجه آنهاست، به صورت کاملاً محسوس لحن کلام دگرگون شده، در آیه بعد (النور: ۱۹) آهنگ سخن از جذب‌کننده، به کلام شدید و همراه با تهدید تبدیل گشته، می‌توان به این نکته دست یافت که قرآن کریم از روش تربیتی عتاب به غایبان، برای متذکر و متنبه نمودن حاضرین استفاده نموده است.

۳. محتوای این دسته از آیات تغییر پندار که با استفاده از بیان هشدار به کاررفته، شامل موارد زیر می‌گردد:

الف) در آیه (البقره: ۲۱۶) ابتدا مسلمانان را امر به جهاد نموده، در ادامه برای گسست پندار غلط کراهت آنها نسبت به رویارویی با دشمنان خدا، قانون کلی احساس خوب و بد انسان نسبت به رویدادهای اطراف او را متذکر شده، می‌فرماید: چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما نیکو و مبارک است و بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما، شوم و منحوس است؛ از این رو هوشیار باشید، علم خداوند کاملاً بر این قانون احاطه دارد و این در حالی است که شما از آن مطلع نیستید؛ لذا از فرمان‌های الهی تبعیت نمایید.

ب) در عصر جاهلی، بعضی از بستگان نزدیک زنان مطلقه به خود حق می‌داند که در امر ازدواج مجدد آنها دخالت نموده، بعضاً ایشان را از نکاح مجدد با همسر قبلی و یا کس دیگر منع نموده، موجب آزار و اذیت به این گروه از زنان می‌شدند (پیشوایی، ۱۳۸۹ش، ص ۵۴). از این رو در آیه (البقره: ۲۳۲) کلام وحی نسبت به این رویه ناپسند که میراث توهمات دوران جاهلیت در بین مسلمانان هم عصر نزول قرآن بوده، هشدار داده، پندارشکنی می‌نماید.

ج) در آیه (آل عمران: ۶۶) سخن از انتقاد به رفتار عده‌ای از اهل کتاب است که علی‌رغم بی‌اطلاعی درباره یهودی بودن و یا نصرانی بودن حضرت ابراهیم (ع) با هم مجادله کرده، هر گروه دین خود را به حضرت ابراهیم (ع) نسبت می‌داد؛ از این رو قرآن کریم در صدد تغییر در باور و پندار آنهاست؛ لذا می‌فرماید: از جدال درباره موضوعی که کمترین دانشی درباره آن ندارید بپرهیزید؛ زیرا خداوند از دین و آئین و دیگر ویژگی‌های فرستاده خود آگاه می‌باشد، نه شما که در زمان‌های بعد از او به وجود آمده‌اید و بدون اطلاع در این باره قضاوت می‌کنید.

د) در آیه (النحل: ۷۴) قرآن کریم به عموم انسان‌ها که در افکار خود دچار توهم شده‌اند، هشدار داده، پندار شکنی می‌نماید که چیزی را همسان خدا در ذهنتان قرار ندهید؛ از آنجا که خداوند، یگانه آگاه کامل به تمام واقعیت‌هاست و شما از ماهیت وجود خدا دانشی ندارید، آنچه را که در مورد پروردگار جهان لازم است برای فهم بیشتر مطلب، با تمثیل بیان شود، تنها از طریق آموزش الهی و وحیانی بیان می‌گردد (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۳۴).

هـ) در آیه (النور: ۱۹) صحبت از یک تهدید عمومی و هشدار است که نه تنها اشاعه فحشاء در بین مسلمانان سبب ایجاد اختلال در نظام اجتماعی و قرار گرفتن در موضع عذاب الهی است؛ بلکه برخلاف تصورات عده‌ای حتی در دل خواستن آن نیز، عواقب ناپسندی را به دنبال خواهد داشت؛ لذا قرآن کریم با عبارت «وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» تأکید می‌کند که خداوند، کاملاً به ظواهر امور و آنچه پنهان از دیدگان است، آگاه بوده، از ضمیر افراد و تمایل باطنی‌شان از اشاعه فحشاء و عواقب شوم آن، در دنیا و آخرت باخبر می‌باشد؛ لکن شما از ابعاد مختلف این مسئله مهم آگاهی نداشته، کلام وحی به این وسیله پندار شکنی می‌کند.

۳-۲. «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»

کلام وحی از این جمله استفهامی تنها در آیه (الزمر: ۹) استفاده نموده است (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۴۷۴). این آیه در مقام مقایسه بین انسان‌های مشرک و مؤمن می باشد و می فرماید: آیا آن شخص مشرک بهتر است یا کسی که در ساعات شب در سجده و قیام است و از آخرت می ترسد و به رحمت خدایش امیدوار است؟ لذا در ادامه با جمله «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» به صورت تلویحی جواب سوال فوق را داده، اقدام به تصحیح پندار غلط تساوی مشرکان با مؤمنان می نماید.

بررسی این جمله پندارشکن نشان می دهد

۱. کلام وحی در این جمله با استفاده استفهام انکاری با بیان کنایی اقدام به تصحیح پندار نادرست می نماید. پندارشکنی در این آیه با واسطه بیانی رسول خدا(ص) به صورت غیرمستقیم به مشرکان و کافران و درعین حال به همه انسان‌ها آموزش عمومی داده، با واسطه پندارشکنی انجام می دهد.

۲. نوع گویش در این آیه حاوی گسست پندار نادرست و سیاق آن مانند آیه (الزمر: ۸) دارای گویش انتقادی و توبیخی شدید می باشد.

۴. نتایج آماری

عنوان لفظ پندارشکن	تعداد آیه	پندارشکنی استفهامی	پندارشکنی خبری	پندارشکنی امری و نهی	پندارشکنی شرطی	غیر مستقیم (با واسطه پیامبر اسلام)	غیر مستقیم (با واسطه دیگران)	روش آموزش مستقیم	گفتار مقتدرانه و کنایه ای و شدید	گفتار مقتدرانه و ملایم
«اعلموا»	۲۱	۰	۰	۲۱	۰	۰	۰	۲۱	۵	۱۶
«إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»	۱۰	۰	۰	۰	۱۰	۲	۲	۶	۳	۷

۱	۷	۰	۸	۰	۸	۰	۰	۰	۸	«لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»
۵	۱	۶	۰	۰	۰	۶	۰	۰	۶	«فَاعْلَمُوا»
۰	۶	۰	۶	۰	۰	۰	۶	۰	۶	«سَوْفَ يَعْلَمُونَ»
۰	۵	۲	۱	۲	۰	۰	۵	۰	۵	«سَوْفَ تَعْلَمُونَ»
۴	۱	۰	۰	۵	۰	۰	۵	۰	۵	«اللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»
۰	۴	۲	۱	۱	۰	۰	۴	۰	۴	«سَوْفَ تَعْلَمُونَ»
۰	۳	۱	۰	۲	۰	۰	۳	۰	۳	«فَسَتَعْلَمُونَ»
۰	۳	۰	۳	۰	۰	۰	۳	۰	۳	«سَيَعْلَمُونَ»
۰	۳	۰	۳	۰	۰	۰	۰	۳	۳	«أَلَمْ يَعْلَمُوا»
۰	۲	۰	۲	۰	۰	۰	۲	۰	۲	«فَسَيَعْلَمُونَ»
۰	۲	۰	۲	۰	۰	۰	۲	۰	۲	«سَيَعْلَمُ»
۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	«سَوْفَ يَعْلَمُونَ»
۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	«أَلَمْ يَعْلَمِ»
۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	«أَوَلَمْ يَعْلَمِ»
۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	«أَوَلَمْ يَعْلَمُوا»
۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	«أَوَلَا يَعْلَمُونَ»
۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	«لَوْ يَعْلَمِ»
۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»
۳۴	۵۱	۳۸	۳۴	۱۳	۱۹	۲۷	۳۱	۸	۸۵	جمع

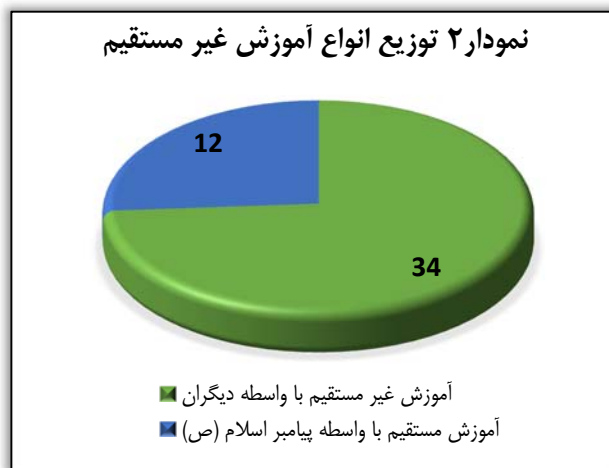
در این جدول نسبت مشارکت نوزده ساختار حاوی واژه «علم» به تفکیک در کل آیات پندار شکن ارائه شده در این بخش مشاهده می‌شود. بیشترین تکرار مربوط به عبارت «إِغْلُومًا» و کمترین تکرار مربوط به عبارت‌های «سَوْفَ يَعْلَمُونَ» و «أَلَمْ يَعْلَمِ» و «أَوَلَمْ يَعْلَمِ» و «أَوَلَا يَعْلَمُونَ» و «لَوْ يَعْلَمِ» می‌باشد. اطلاعات این جدول نشان می‌دهد، با توجه به مشارکت پنجاه درصدی عبارت‌های هم خانواده «إِغْلُومًا» و «إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» و «اللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» که خطاب در این آیات متوجه مسلمانان بوده و رویکرد اصلی در آنها پندار شکنی

آموزشی می‌باشد؛ نیمی از مفاهیم این ساختارهای پندارشکن متوجه مسلمانان و نیمی دیگر متوجه مشرکان و کافران می‌باشد.

نمودار ۱ نشان می‌دهد، در اکثریت نسبی این آیات، تصحیح افکار به صورت غیرمستقیم بوده و قرآن کریم برای برخورد با باورهای غلطی که نسبت به آن انتقاد نموده، کمتر از گفتگوی مستقیم استفاده کرده است.



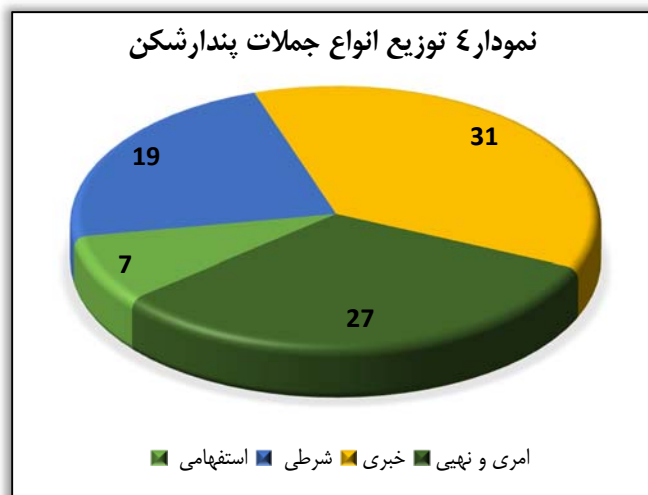
در نمودار ۲ مشاهده می‌شود، کلام وحی در اغلب آیاتی که از روش غیرمستقیم برای آموزش استفاده نموده، مفاهیم پندارشکنی خود را با واسطه سخن از کسانی که ظاهراً وجود خارجی ندارند و از بین رفته یا غایب‌اند، به مخاطبان قرآن انتقال داده است.



نمودار ۳ نشان می‌دهد، پندارشکنی در اغلب موارد، دارای گویش انتقادی و شدید می‌باشد؛ لذا به نظر می‌رسد، مخاطب این آیات در پندارهای ناصحیح خود پافشاری نموده، از این رو قرآن کریم با لحن تهدیدی و شدید در صدد تاثیر گذاری بیشتر و ایجاد تنبه در اذهان آنها می‌باشد.



نمودار ۴ توزیع انواع جملات استفاده شده، در این آیات را نشان می‌دهد که به ترتیب جملات خبری، امری و شرطی و استفهامی بیشترین تکرار را در این گروه از آیات را داشته‌اند.



نتیجه گیری

با عنایت به آنچه گذشت نتایج ذیل قابل دستیابی می‌باشد:

۱. سطوح سه گانه متن با مفاهیم پندارشکن حاوی واژه «علم» که در ۸۵ آیه استعمال گردیده، در ۴۵٪ آیات با آموزش مستقیم و در ۵۵٪ با روش اطلاع رسانی غیرمستقیم همراه بوده که در ۷۴٪ این گروه از آیات، پندارشکنی با واسطه دیگران و در ۲۶٪ با واسطه پیامبراسلام (ص) صورت گرفته است. نوع لحن کلام در ۶۱٪ موارد مقتدرانه و شدید و گویش مابقی این گروه از آیات با فراوانی ۳۹٪ مقتدرانه و ملایم بوده، کلام وحی برای گسست باورها و عادات جاهلی و ناصحیح عده‌ای از مسلمانان و پندارشکنی توهمات باطل مشرکان و کافران، بیشتر از جملات خبری با فراوانی ۳۷٪ استفاده نموده و جملات امری - نهیبی با ۳۲٪ و شرطی با ۲۳٪ و استفهامی با ۸٪ به ترتیب در رتبه‌های بعد قرار دارند.

۲. محتوای این گروه از آیات عبارت‌اند از:

الف) آیات حاوی واژه‌های «اعلموا» و «فاعلموا» با استفاده از جملات امری، هشدار در اغلب موارد به مسلمانان است که به منظور تصحیح توهمات نادرست باقیمانده از گذشته‌گان، پیرامون سه کلان موضوع صفات خداوند و جایگاه والای پیامبر اسلام (ص) و ایجاد و تقویت اعتقاد به معاد بوده و همچنین در تعداد دیگری از این آیات و مواردی از آیات حاوی جمله «اللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» آموزش‌های وحیانی به دنبال تغییر در بعضی از افکار تصورات نادرست عده‌ای از مسلمانان است که در دوران جاهلیت به آن اعتقاد داشته، به دنبال آن اعمال و رفتار غلط انجام می‌دادند و تأکید دارد، در فضای اعتقادی جدید لازم است، براساس دستورات الهی در آن‌ها تغییر و تصحیح ایجاد شود.

ب) محتوای آیات خانواده واژه «فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» که با بیان تهدید قیامتی و تأکید بر تحقق آن همراه می‌باشد، حول کلان موضوع اعتقاد به یگانگی خدا و پذیرش فرستادگان الهی بوده، در صدد گسست توهمات کافران و مشرکان و معاندانی است که معبود دیگری را با خدا همراه نموده، و خیال می‌کنند، در مقابل خداوند می‌توانند از مکر و حيله استفاده کرده، با ظلم و ستم به مقاصد خود دست یابند؛ لذا قرآن کریم به آنها هشدار داده، آنچه وحی الهی آن را تهدید می‌کند، اگر اراده خداوند بر آن واقع شود، قطعاً ضمانت اجرایی خواهد داشت.

ج) اکثر آیات حاوی ساختار «إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» با خطاب مستقیم به مسلمانان هشدار جذب‌کننده، می‌دهد و آنها را به دقت نظر برای اصلاح آنچه اشتباه در اذهان آنها وارد شده و مانع دستیابی ایشان به خیر حقیقی گردیده، دعوت می‌نماید. همچنین در تعداد دیگری از این آیات و آیه (النحل: ۷۴) که شامل جمله پندار شکن «اللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» بوده، خطاب با واسطه را متوجه مشرکان نموده، با آهنگ کلام ملایم و به صورت غیر مستقیم با

بت پرستان هم عصر ایشان گفتگو می نماید و با بهره گیری از محسوسات قابل درک، آنها را از دادن نسبت های نادرست به خداوند انذار می دهد.

۵) آیات شامل ساختارهای «لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» و «لَوْ يَعْلَم» در صدد تصحیح باور غلط گروهی از انسان ها حول موضوعات مختلف تأثیر نیروی سحر در اراده خداوند، متضرر شدن کسانی که در راه خدا دچار سختی شده اند، ولی گرفتن غیر خدا، برای دنیا ارزش ویژه قائل شدن، آگاهی از غیب جنیان و کذب دانستن آموزش های الهی و به سخره گرفتن پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و انکار قیامت می باشد؛ از این رو کلام وحی با استفاده از آموزش عمومی غیر مستقیم، با گویش شرطی - تمنایی همراه با ابراز نوعی تأسف از بی توجهی آنها، سعی در ایجاد چالش در ذهن مخاطب و به دنبال آن اصلاح عقاید نادرست پیرامون موضوعات مطرح شده، می باشد.

۵- آیات حاوی ساختارهای هم معنای «أَوْمَّ يَعْلَم» و «أَوْلَا يَعْلَمُونَ» و جمله «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» با بیان استفهامی انکاری و توییحی به تکذیب تعدادی از اعتقادات و پندارهای انحرافی منافقان و مشرکان درباره تقابل با خداوند و پیامبر اسلام (ص) پرداخته، سعی در گسست باورهای موهوم آنها داشته، این عناد را موجب زیان و ضرر حقیقی آنها معرفی می نماید.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. ابن سلیمان، مقاتل، (۱۴۲۳ق)، تف سیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۴. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، (۱۴۲۳ق)، **تأویل مشکل القرآن**، تحقیق: ابراهیم شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۶. ابوالسعود، محمد بن محمد، (۱۹۸۳م). **تفسیر ابی السعود (ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم)**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۷. ابوحیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، **البحر المحیط فی التفسیر**، بیروت: دارالفکر.
۸. اشکوری، محمد بن علی، (۱۳۷۳ش)، **تفسیر شریف لاهیجی**، تهران: دفتر نشر داد.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، **أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۰. پیشوایی، مهدی، (۱۳۸۹ش)، «گونه‌های طلاق در جاهلیت و تحول نظام طلاق جاهلی با ظهور اسلام»، **تاریخ در آینه پژوهش**، شماره ۳، صص ۴۹-۷۴.
۱۱. دروزه، محمد عزه، (۱۴۲۱ق)، **التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول**، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
۱۲. رشیدرضا، محمد، (۱۴۱۴ق)، **تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار**، بیروت: دار المعرفه.
۱۳. زرسازان، عاطفه، (۱۳۷۸ش)، «تعامل اسلام با نمودهای اخلاقی در جاهلیت»، **پژوهشهای قرآنی**، شمار ۵۳، صص ۲۲۰-۲۳۳.
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل**، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۵. شرتونی، رشید، (۱۳۸۷ش)، **مبادئ العربیة**، قم: انتشارات دارالعلم.

۱۶. شیخلی، بهجت عبدالواحد، (۱۴۲۷ق)، *اعراب القرآن الکریم*، بیروت: دار الفکر.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲ق)، *تفسیر جوامع الجامع*، قم: حوزه علمیه قم.
۲۰. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
۲۱. طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، تهران: مرتضوی.
۲۲. طبیب، عبدالحسین، (۱۳۶۹ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: اسلام.
۲۳. عبدالباقی، محمد فوآد، (۱۳۶۴ق)، *المعجم المفهرس*، قاهره: دارالکتب المصریه.
۲۴. عسکری، حسن بن عبدالله، (۱۴۰۰ق)، *الفروق فی اللغة*، بیروت: دار الآفاق الجدیة.
۲۵. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.
۲۷. کرباسی، محمد جعفر، (۱۴۲۲ق)، *اعراب القرآن*، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۲۸. لوبر، سباستین، (۱۳۹۹ش)، *درآمدی بر معناشناسی*، مترجم: جلال رحیمیان. تهران: نشر پارسی،
۲۹. مصباحی مقدم، غلام رضا؛ احمدوند، خلیل اله، (۱۳۸۸ش)، «ابعاد شناخت ربای جاهلی»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، شماره ۲، صص ۳۷-۷۰.
۳۰. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ق)، *التفسیر الکاشف*، قم: دارالکتاب الإسلامی.

Bibliography:

1. The Holy Qur'an.
2. Abdul Bāqī, Mohammad Fu'ād (1985), *Al-Mu'jam Al-Mofahras*, Cairo: Dar al-Kitāb al-Misrīya.
3. Abu al-Sa'ūd, Muhammad ibn Muhammad (1983), *Tafsir Abi Al-Sa'ūd*, Beirut: Dar Iḥyā' al-Turāth Al-Arabi.
4. Abū Ḥayyān Andalusī, Muhammad ibn Yūsuf (1420 AH), *Al-Baḥr al-Muḥīṭ*, Bierut: Al-Fikr.
5. Ashkūrī, Muhammad ibn Ali (1994), *Lahījī's Commentary*, Compiled by: Jalal al-Din Muhaddith, Tehran: Dad Publications.
6. Askarī, Hassan bin Abdullah (1400), *Al-Forough fi Al-Lughah*, Lebanon-Beirut: Dar Al-Āfāq Al-Jadīdah.
7. Bayḍāwī, 'Abdullāh ibn 'Umar (1418 AH), *Anwār al-Tanzīl wa Asrār al-Ta'wīl*, Beirut: Dar Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
8. Darwazah, Muhammad 'Izzah (1421 AH), *Al-Tafsīr al-Hadith*, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami.
9. Fakhr al-Dīn Rāzī, Muhammad ibn 'Umar (1420 AH), *Mafātīh al-Ghayb*, Beirut: Dār 'Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
10. Farāhīdī, Khalil ibn Ahmad (1409 AH), *Al-'Ayn*, Qom: Hijrat.
11. Ibn Manzūr, Muhammad ibn Mukrim (1414 AH), *Lisān al-Arab*, Beirut: Dar al-Fikr - Dar al-Sādir.
12. Ibn Qutaybah, Abdullah bin Muslim (1423 AH), *Tawīl Mushkel Al-Qur'an*, Edited by: Ibrahim Shamsuddīn, Lebanon-Beirut: Dar al-Kitāb al-'Ilmīyah, Muhammad Ali Baydūn's Publications.
13. Karbasī, Mohammad Ja'far (1422 AH), *Tarāb Al-Qur'an (Karbāsī)*, Beirut: Dar and Maktab al-Hilāl.
14. Lubber, Sebastian (2020), *An Introduction to Semantics*, Persian Translation: Jalal Rahimian, Tehran: Parsi Publishing.
15. Mesbahi Moghadam, Gholam Reza & Khalilullah Ahmadvand (2009), "Dimensions of Knowing Ignorant Usury," *Islamic Economics Studies* 2: 37-70.
16. Mughnīyeh, Mohammad Jawād (1424 AH), *Al-Tafsīr Al-Kāshef*, Qom: Dar al-Kitāb al-Islami.

17. Muqātil, Muqātil ibn Sulaymān (1423 AH), *Tafsīr Muqātil ibn Sulaymān*, Beirut: Dar Ihya' al-Turāth Al-Arabi.
18. Pishvaei, Mehdi (2010), "Types of divorce in Ignorance Age and the evolution of the ignorant divorce system with the advent of Islam," *History in the Mirror of Research* 3: 49-74.
19. Rashid Rida, Muhammad (1414 AH), *Alminār*, Beirut: Dar al-Ma'rifa.
20. Sheikhli, Behjat Abdul Wāhed (1427 AH), *'Trāb Al-Qur'an Al-Karim (Sheikhli)*, Lebanon-Beirut: Dar al-Fikr.
21. Shirtūnī, Rashid (2008), *Mabādī al-Arabīya*, Qom: Dar al-'Ilm.
22. Ṭabarī, Muhammad ibn Jarīr (1412 AH), *Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'an*, Beirut: Dār al-Ma'rifah.
23. Ṭabarisī, Faḍl ibn Ḥassan (1993), *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'an*, Tehran: Nasser Khosrov, third ed.
24. Ṭabāṭabā'ī, Sayed Muhammad Ḥusayn (1417 AH), *Al-Mizān fī Tafsīr al-Qur'an*, Qom: Teachers Association of Qom Seminary, fifth ed.
25. Tabrisī, Fazl Ibn Hassan (1412 AH), *Tafsīr Jawāme Al-Jāmi'*, Edited by: Abolghasem Gorji, Iran-Qom: Qom Seminary, Management Center.
26. Tayyib, Abdul Hussein (1990), *Atyab Al-Bayān fī Tafsīr Al-Qur'an*, Iran- Tehran: Islam.
27. Turayhī, Fakhrudin bin Muhammad (1996), *Majma' Al-Bahrain*, Edited by: Ahmad Hosseini Eshkevari, Tehran: Mortazavi.
28. Zamakhsharī, Mahmūd ibn 'Umar (1407 AH), *Al-Kashshāf*, Beirut: Dār al-Kitāb 'Arabī, third ed.
29. Zarsazan, Atefe (1999), "Interaction of Islam with moral manifestations in the Ignorance Age," *Qur'anic Research* 53: 220-233.
30. Ālūsī, Sayed Maḥmūd (1415 AH), *Rūh al-Ma'āni Fī Tafsīr al-Qur'an al-'Azīm wa al-Sab'a al-Mathānī*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah.